بيانات در مراسم اعطاي نشان فتح به فرماندهان و نيروهاي نظامي ارتش و سپـــاه - 15 /بهمن/ 1368

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
اين مراسم موجب شد كه علاوه بر خاطره‌ي فتح تاريخي ملت ايران و فجر عظيم تاريخ اسلام كه اين روزها در گوشه و كنار جامعه و ذهن و دل ملت ما مشهود و برجسته است، خاطره‌ي دوفتح بزرگ و دو جهاد پيروز ـ كه در حقيقت هر جهادي مجموعه‌يي از پيروزيها و مجاهدتها و عظمتهاست ـ در ذهن ما زنده بشود.
اگر چه جمع معتنابهي از فرماندهان و برجستگان عمليات كربلاي 5 و 7 امروز مورد تقدير و تشكر قرار گرفتند، ولي بي‌شك فقط شما نبوديد. بسياري از كساني كه در اين عمليات تلاش كردند و زحمت كشيدند و جان و زندگي و همت و نيرويشان را در دستان خود گرفتند و آماده‌ي نثار به پاي اين انقلاب و ملت و كشور شدند، به شهادت رسيدند و بسياري هم امروز هستند و ممكن است بعضي از آن عناصر عزيز را ما تا آخر هم نشناسيم.
چه قدر از بسيجيان و سربازان و پاسداران و جهادگران و ديگر نيروها وجود دارند كه به نحوي در جبهه حضور داشتند و در اين دو عمليات و در بقيه‌ي روزهاي دشوار و پرافتخار جنگ تحميلي تلاش و فداكاري كردند و ما حتي نام آنها را هم نمي‌دانيم; ولي قدر آنها در نزد كرام‌الكاتبين و قديسين و كروبين ملا اعلي محفوظ و مضبوط است.
مسأله اين است كه شما برادران ارتشي و سپاهي و بسيجي و ديگر كساني كه به‌نحوي با نيروها و دفاع مسلح سروكار داريد، بايد به اين نكته توجه داشته باشيد كه عضويت در نيروهاي مسلح افتخار است و هيچ افتخاري هم براي يك ملت، معادل اين گونه افتخارات نيست. اگر ملتي مثل ملت ايران داراي هدفهاي بلندتري است، نيروهاي مسلح جسم و جان خودشان را براي فداكاري در راه ملت و كشورشان آماده نگه مي‌دارند و هيچ افتخاري برايشان بالاتر از اين نيست.
هركس عضو نيروهاي مسلح است، بايد احساس سربلندي كند و همه‌ي كساني كه در چارچوب اين ملت و كشور زندگي مي‌كنند، بايد براي اعضاي نيروهاي مسلح، اين افتخار و ارزش را قايل باشند و بشناسند و بدان اعتراف كنند. البته، افتخار به فداكاري است و امكان فداكاري به آمادگي جسمي و روحي است و نيروهاي مسلح بايستي روحا و جسما خودشان را آماده نگه دارند. در صورتي كه ما قوي باشيم، خواهيم توانست تهديدها را از كشور و ملتمان دور كنيم. كساني كه در وجود شيطانيشان، وسوسه‌ي تعرض و تجاوز و بدخواهي و آتش‌افروزي است، اگر بدانند كه اين ملت قادر است از خود دفاع كند و آماده‌ي اين دفاع است، اين وسوسه‌ها در وجود آنها سركوب خواهد شد.
آن روزي كه دشمن از مرزهايمان به ما حمله‌ور شد، فكر نمي‌كرد ملت ما بتواند از خودش دفاع كند. ملت را ضعيف پنداشته بود كه به ما حمله كرد. دنياي استكبار هم كه رژيم عراق و شخص صدام حسين را در حمله به مرزهاي ما تحريك كرد، ملت ما را ضعيف انگاشته بود. اگر هر متعرض و متجاوزي احساس كند كه ملت و نيروهاي مسلح ما توانايي دفاع ندارند، آنگاه خطر جدي و حتمي خواهد شد. بايد نيرومند بودن اين ملت، در نيروهاي مسلح تجلي كامل پيدا كند. البته ملت ما، ملتي بسيار نيرومند و داراي قدرت تمام نشدني براي دفاع از خود است ـ در اين هيچ شكي نيست ـ اين قدرت و اين توانايي بايد در نيروهاي مسلح جلوه‌ي كامل خود را پيدا كند.
ارتش و سپاه، بايد از لحاظ سازماندهي و روحيه و دانش رزمي و تجهيزات و از همه‌ي جهاتي كه در امكان دفاع تأثير دارند، در حدي باشند كه شايسته‌ي ظرفيت اين ملت است. آن روزي كه دشمن در سال 59 به ما حمله كرد، او از يك نظر درست فهميده بود. او نيروهاي مسلح را ديده بود، اما ملت را نديده بود. در آن زمان، نيروهاي مسلح ما دچار ناتواني و ضعف بودند و دشمن نمي‌توانست قوت ملي ما را درك كند و اين طبيعي است كه رژيمها و اشخاصي كه با ملتها و آحاد مردم سروكار و ربطي ندارند، نمي‌توانند نيروي اين ملت و قدرت ايماني ناشي از آن را درك كنند.
ملت ما، اين نيرو و قدرت را در خلال عمل نشان داد. اين بسيجهاي عظيمي كه مردم ما شدند و نيروي تمام نشدني‌يي كه اين ملت تا لحظه‌ي آخر از درون خود جوشاند، نيروهاي مسلح را هم قوي و مستحكم كرد و به آنها

روحيه و توان حقيقي داد. نيروهاي مسلح ما، تشكيلاتي متشكل از خود اين ملت هستند; بنابراين همان نيرو در آنها هم هست. سازماندهي نيروهاي رزميمان، بايستي حاكي از قدرت ملت باشد و قدرت مردم را نشان بدهد.
امروز، ما اين را از شما مي‌خواهيم. مسؤولان ارتش و سپاه بدانند كه اين، مسؤوليت غيرقابل تخلف آنهاست.
امروز، ارتش و سپاه بايد هرچه مي‌توانند ـ يعني بي‌نهايت ـ خودشان را قوي كنند. شما مي‌توانيد خودتان را بي‌نهايت قوي كنيد. نگويند ما را پشتيباني لجستيك و حمايت مالي و پولي و غيره بكنيد تا ما قوي شويم. نه، طبيعي است كه مسؤولان يك كشور، در درجه‌ي اول همه‌ي امكاناتشان متعلق به نيروهاي نظامي است و هرچه كه در بنيه‌ي كشور امكان داشته باشد، نيروهاي مسلح پشتيباني خواهند شد كه اين نكته، در جنگ هم نمايان بود. شما ديديد كه چند سال همه‌ي امكانات كشور را تا آن جايي كه ميسور بود، تقريبا در اختيار نيروهاي مسلح گذاشتيم. الان هم همان‌گونه است و همان‌طور هم خواهد بود. نبايد هيچ‌گونه تحركي از طرف شما ـ كه سپاه و ارتش هستيد ـ متوقف به اين بماند كه از شما پشتيباني مورد نظرتان را بكنند. آن مقداري كه ممكن و لازم است، پشتيباني مي‌شود; ليكن شما تلاش خودتان را بكنيد.
امروز، وسوسه‌ها در مورد ارتش و سپاه تمام شده است. نمي‌گويم بكلي تمام شده; اما وسوسه‌يي كه گيرا باشد، ديگر وجود ندارد; چون از طرف مسؤولان، حرف كامل و قاطع زده شده و حتي خطوط ريز آن تقريبا معين شده است. ما كميته و هيأتي را مأمور كرديم كه نشستند و تقريبا خطوط ريز را بين ارتش و سپاه بحث كردند و مورد تبادل‌نظر قرار دادند و ما تقريبا و بتدريج به نقاط نهايي نزديك شده‌ايم و مي‌شويم.
از نظر من، تقريبا اصول و كليات روشن است; ولي در مورد جزييات گفتم آقايان بنشينند و جزييات را بحث و بررسي كنند و راه حل پيدا نمايند. در اين زمينه‌ها، هيچ‌گونه ابهامي وجود ندارد و نبايد وسوسه‌يي باشد. اگر از كساني كه در ارتش و سپاه هستند ـ بخصوص كساني كه در رده‌هاي نسبتا بالاي اين دو نيرو هستند ـ چيزي شنيده شود، قطعا قابل قبول و پذيرش نيست. اگر كسي بگويد من امنيت شغلي ندارم، بايد اشكال را در خودش جستجو كند. بايد ديد در درونش چيست كه احساس امنيت نمي‌كند. اگر كسي بگويد من آينده‌ي سازمان خودم را نمي‌دانم، بايد ديد ايراد در ذات او چيست، او را بايد پيدا كرد; والا آينده كاملا واضح و روشن است.
وجود اين دو سازمان رزمي، براي حفظ اين كشور و انقلاب لازم است و بايد همه با هم در محدوده‌هايي كه مشخص شده است، همكاري كنند. من، در مورد تمام اين جزييات و خصوصيات، احساس مسؤوليت مي‌كنم. من، نمي‌توانم قبول بكنم كه كسي آن جا بنشيند و بدون هيچ گونه احساس مسؤوليتي، دهانش را باز كند و راجع به هريك از اين دوسازمان چيزي بگويد. اين، امانتي است كه دست من سپرده شده و من بايد آن را حفظ كنم.
در نظام جمهوري اسلامي، فرماندهي نيروهاي مسلح چيزي نيست كه كسي با قهر و غلبه به دست آورده باشد تا ديگري بگويد اين غاصب است; بلكه چيزي است كه با استحقاق از طرف مردم به مقامي داده شده و امانتي در اختيار اوست. من، امانتدار مردم نسبت به نيروهاي مسلح و ارتش و سپاه هستم. شما ارتش و سپاه، دو سازماني هستيد كه امانت مردم در دست من مي‌باشيد. من، اين امانت را حفظ كرده و از آن دفاع خواهم كرد. در اين زمينه، هيچ گونه سستي از هيچ كس پذيرفته نيست; چه رسد به اين كه حرفها يا اظهاراتي صادر شود كه موجب سستي در يك جمع گردد.
هر كدام از شما آقايان كه مسؤوليتي داريد، حيطه‌ي زير دستتان نزد شما امانت است; امانتي از جانب خداوند و ملت و نظام جمهوري اسلامي. فرماندهان عمده و آنها كه مقامشان بالاتر است، امانتشان سنگينتر و مسؤوليتشان بزرگتر مي‌باشد. هركدام از شما ـ ولو فرمانده‌ي يك گروهان و يا يك قسمت كوچك باشيد ـ امانتي دست شما سپرده است و حق نداريد اين امانت را همين‌طور بيندازيد و به اميد تقدير رها كنيد و به كار و فكر ديگري بپردازيد. خير، اگر بعضي از فرماندهان در آن نقطه‌يي كه مأموريت آنهاست، حضور پيدا نكنند يا مرتب حضور پيدا نكنند، خيانت كرده‌اند.
اگر در جايي كه به دست شما سپرده شده است، نمي‌توانيد حضور پيدا كنيد، مشخص كنيد و بگوييد تا نتوانستن شما را علاج كنند. بايد به طور دايم و با دقت و مراقبت، آن جايي كه هستيد و در آن حيطه‌يي كه دست شماست،

حضور داشته باشيد. اگر غير از اين باشد، در امانت خيانت شده است. خيال نكنيد كه خيانت چيز عجيب غريبي است. خيانت در امانت كه شاخ و دم ندارد. هر نوع كوتاهي كردن در حراست از آن چيزي كه در اختيار شماست، خيانت است و خيانت در امانت از هيچ‌كس پسنديده و پذيرفته و مقبول نيست. اگر فرمانده‌ي يك قرارگاه يا يگان عمده يا رئيس يك اداره‌ي مهم و يا رئيس يك قسمت كوچك هستيد، فرقي نمي‌كند. هرچه هستيد، آن حيطه‌ي زير امر شما كه در اختيارتان است، در دست شما امانت است و بايد آن را با كمال قدرت و دقت و وسواس و بدون اندكي سستي و قصور، حفظ كنيد. اگر چنين كاري نكرديد، به اين كشور و ملت، ضرري وارد شده است.

ما در طول اين هشت سالي كه گذشت، بايد تجربه‌هاي زيادي آموخته باشيم. بايد چيزهايي كه نداشتيم، فراهم كنيم و آن چيزهايي كه داشتيم و خوب نگه‌نداشتيم، طرز نگهداري آنها را ياد بگيريم. بايد ياد بگيريم كه از آن چيزهايي كه داشتيم و خوب از آنها استفاده نكرديم، خوب استفاده كنيم. آن چيزهايي كه نفهميديم وجودش در هنگام ضرورت لازم است و خسارتي كه از اين ناحيه بر ما وارد شد، بايد جلوي اين كار و خسارتهاي مشابه را بگيريم.

صفحه‌ي جنگ و صفحه‌ي هشت سال تجربه، در پيش روي ما گشوده شده است. اين صفحه را ببينيد و يك بازنگري بكنيد: "ثم ارجع البصر كرتين": دوباره نگاه كنيد، ببينيد چه خبر است. ميدان جنگ چه خبر بود؟ چگونه مي‌توانست باشد و چرا آن‌طور نشد؟ به خودمان برگرديم و درس بگيريم. بايد از آنچه كه گذشته و پشت سر ماست، درس بگيريم و مي‌توانيم درس بگيريم.

روزهاي باشكوه و عزيز و شبهاي فراموش‌نشدني‌يي در اين هشت سال گذشت. شبهايي كه ـ به تعبير بعضي از رؤساي كشورها ـ تا صبح دوستان و دشمنان ما در سراسر دنيا نخوابيدند. چه شبهايي بر شما رزمندگان گذشت. آنهايي كه شهيد شدند، آنهايي كه در منطقه‌ها حضور داشتند، آنهايي كه فداكاري كردند، مي‌دانند و بدانند شما ساعات و شبهايي را گذرانديد كه در سرتاسر دنيا، دشمنان شما از وحشت و دغدغه و دوستان شما از شادي و هيجان نخوابيدند. چيزهاي عجيبي گذشت و در مدت هشت سال، در اين خط و نوار مرز كارهاي عجيبي انجام گرفت.

دشمن، به هر حال دشمن است و من هم نمي‌توانم از غيب بگويم آن دشمن بيدار يا خواب است، يا قصد جنگ دارد يا ندارد، يا خواهد جنگيد و يا نخواهد جنگيد; ولي مي‌گويم كه دشمن، دشمن است و مادامي كه از خودش انصاف نشان‌نداده است و پشيماني از تجاوز و تعرض در او مشهود نيست، بايستي از او برحذر بود. دشمن، چنين است; مگر اين كه نشان بدهد دشمن نيست.

رژيم عراق با تهاجم به مرزهاي كشورمان در يكي از سخت‌ترين شرايط تاريخي زندگي ما، نشان داد كه با ملت ايران و نظام جمهوري اسلامي و سلامت و صلح منطقه دشمن است. اين را نشان داد و ثابت كرد و جاي ترديد نيست. امروز و در طول آن هشت سال، كدام آدم عاقل و مطلعي در دنيا باور كرده است كه تهاجم صدام حسين و لشكريانش به مرزهاي جمهوري اسلامي، عكس‌العمل چيزي يا يك حركتي بوده‌است؟! از اين حرفها گفته و مي‌گويند; اما كدام آدم عاقل و مطلعي ممكن است چنين چيزي را باور كند؟! به هر حال، اگر از روي شيطنت و شرارت و حماقت و تحريك‌پذيري از دشمنان اسلام و تحريك شدن حس جاه‌طلبي او و به وسيله‌ي بعضي از مرتجعان موذي منطقه بود، ضربه را خوردند و اين ضربه، ضربه‌يي فراموش نشدني براي خودشان و ديگران است.

اميرالمؤمنين (ع) فرمود: "ان أخا الحرب‌الارق": مرد جنگ بيدار است. بيدار باشيد. اين بيداري، در عمل شما نشان داده خواهد شد. اين، چيزي است كه ملت ايران از شما مي‌خواهد و من به عنوان فرمانده‌ي شما از شما مي‌خواهم. بايد اين بيداري را در عملتان نشان دهيد. عذري براي آماده نبودن پذيرفته نيست. براي پيگيري اين آمادگي، من دستورات لازم را هم به ستاد فرماندهي كل قوا و هم به ستاد مشترك ارتش جمهوري اسلامي ايران داده‌ام. ستاد كل سپاه پاسداران هم در جريان آنچه كه ما به ستاد فرماندهي كل قوا دستور داده‌ايم، است. بايد همه‌ي نيروهاي مسلح و همه‌ي عناصر فعال در اين نيروها، هركدام از جهتي سهم خودشان را در حفظ آمادگي و افزايش قدرت ايفا كنند.

اميدواريم كه خداي متعال به شما كمك كند و ان‌شاءالله اين توفيق را هم به ما بدهد كه بتوانيم ياد رزمندگان عزيز و شجاعتهاي بزرگ آنها را هميشه زنده بداريم. اين، يك وظيفه‌ي قطعي بر عهده‌ي ماست و اهدا و تقديم اين نشان به شما نيز به‌همين معناست. اين اقدام، بزرگداشت شجاعت و فداكاري‌يي است كه در آن برهه از شما صادر شد و اين چيز كوچكي در مقايسه با آنهاست. آنچه مهمتر و بزرگتر است، سپاس الهي و پاداش معنوي تمام نشدني است.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته